



۲۰۱۶/۱۰/۲۹



دوکتور محمد اکبر یوسفی

باد افغان سلطنت را برد! (قسمت اول)

یک و نیم دهه قبل، گزارشگر "بی بی سی"، "لیز دوسیت"، بتاريخ ۱۶ جون ۲۰۰۲م، نوشت: "باد افغان سلطنت را برد"، بدینترتیب، آخرین امید های سلطنت طلبان، به باد فنا رفت، اما آرزو ها و حنین برگشت به روز های "بهتر" گذشته آنها، ممکن هنوز هم از ذهن و خاطرات برخی ها، رخت سفر، نه بسته باشد. در پایان این تصویر، می خوانیم:

Monday, 16 June, 2002, 15:36 GMT 16:36 UK

Afghan wind blows dynasty away



Ex-king under pressure from politicians and warlords

"پادشاه سابق تحت فشار سیاستمداران و جنگسالاران".
"لیز دوسیت"، گزارش خود را از اولین "لویه جرگه"، یک سال بعد از کنفرانس منعقدۀ "بن" در سال ۲۰۰۱م، درست بتاريخ ۱۶ جون ۲۰۰۲م، چنین آغاز می کند:
«در روزی که افغانها جمع شدند، یک باد شدید از سمت غرب وزید، با یک قوت کور کننده خیره که قشر های گرد و خاک را بر کابل فرود آورد... "سروش" یک دوست افغان گفت: "ما چنین یک نقل قول معروفی داریم: "وقتی گرد باد شدید با خاک می وزد، پادشاه گردشی می شود... بالاخره وقتی آرامش برگشت، "پادشاه سابق"، ظاهرشاه در یک "لیموزین ضد مرمی، با رنگ سیاه"، راه حضور به "لویه جرگه" را، در پیش گرفت...».

در همین گزارش، "لیز دوسیت" هم چنان حکایت می کند: «پادشاه با لباس خواب نشسته بود، که اعضای فامیل با طمع و با حُب جاه و مقام و در عین زمان افراد قومی مهوور و خشمگین، بر ایشان فشار می آوردند و می گفتند، که مرد کهنسال، به عمر بیش از ۸۷ سال، باید آنچه ممکن است، انجام دهند. لیکن ایشان دیگر در مسابقه شامل نبوده اند... شب قبل در حضور دیپلمات های امریکائی و سیاستمداران افغان، ایشان در حالی که خاموش نشسته بودند، معاون افغان ایشان، یک اعلامیه ای را قرائت نمود که منسوب به ایشان بوده، اما با عجله توسط کسی دیگری تحریر یافته بود. درین پیام به ملت خطاب گردیده بود که برای ریاست دولت کاندید نیستند. این اعلان ناگهان، حامیان، متملقین و صدها نماینده را که در "لویه جرگه" حاضر بوده اند، تکان داد».



The Northern Alliance attack on horseback

صرفنظر از اینکه ممکن گزارشگر، خواسته باشد تا راپور خود را جالب سازد، اما سرنوشت پادشاهی و احتمال برگشت آن در تحت شرایط نوین ملی و بین المللی، در سال ۱۹۷۳م، تعیین شده بود. این پادشاه سابق "کهنسال"، قریب ۲۸ سال قبل از آن وقت، نزول خود شانرا از تخت و تاج پادشاهی، اعلان داشته بودند. بحران افغانستان الی، آنزمان، اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را دیگرگون ساخته بود. بخصوص وضعیت "جنگ داخلی"، که در واقعیت امر کشور را سالهای طولانی، فاقد دولت حاکم مرکزی ساخت. متعاقباً، وقتی در سال ۲۰۰۱م، بازی های سیاسی قدرت های بزرگ

و دول و حلقات درگیر در بحران افغانستان، دوباره تا حدی "سیقل" شده پیشکش گردید، باز هم از جانب هواداران سلطنت، امید های برگشت، به گذشته "عدم جنگ" و "بطالت نسبی"، بزبان آورده می شد. درین راه نوع جدیدی از سازش با "متنفذین محلی" و "روحانیون عقبگرا"، سنحیده شد. ضدیت با "مُدرنیزم" را، از شرایط سالهای دهه اول بعد از "استقلال" کشور در سال ۱۹۱۹م، ذخیره داشته اند. این اولین باری است، که در تاریخ کشور، پس از تأسیس

دولت "پادشاهی" درین قلمرو، یک "بحران سیاسی" اینقدر عمر کرده است و آینده آن هم تا همین اکنون نا معلوم است. با وجودی که یک و نیم دهه قبل، اقدامات محافل و قدرت های بین المللی، امید هایی را هم زنده ساخت، اما در حال حاضر نا امیدی ها و واہمات وحشتناک، مردم ما را زجر و عذاب می دهد و هر لحظه هوشداری خطر مرگ را در ذهن جا می دهد و زنگ خطر نفرین شده سلاح های مہیب را بگوش آنها می نوازد.

شرایط تلخ بحران و "جنگ"، برای برخی از متملقین و هواداران "سلطنت" هم چنان زمینه های فریبنده ای را

Friday, 9 November, 2001, 16:33 GMT

Analysis: Message control in Afghanistan war



A media campaign is under way to win hearts and minds

By Jake Lynch

سطر بالائی عنوان مطلب با تصویر،

روز جمعه، تاریخ ۹ نومبر ۲۰۰۱م.

که ۲ روز از آغاز عملیات هوایی

گذشته بود. «تحلیل»

پیام کنترل در جنگ افغانستان

یک "کمپاین" رسانه ای برای افتاده

است، تا قلب و ذهن را تسخیر کنند.

(توسط "جک لینگ")

مساعد می ساخت، تا به تبلیغات واهی و خود خوش کننده متوسل شوند و در نتیجه بر درز اختلافات سیاسی اجتماعی در کشور، فانه های فولادین بکوبند. عده زیادی از چنین حلقات، دهه های طولانی، تمرکز فکری به واقعیت بینی را هم از دست داده اند، مدعی اند که گویا زندگی بدون جنگ، فقط در چهل سال سلطنت اخیر ممکن بوده است. درین

فرصت، پس از تلاش های زیاد، ایالات متحده امریکا، در طرح نقشه "جنگ علیه تروریسم"، "سقوط حاکمیت قسمی

طالبان" را در افغانستان، بعنوان یک امر ناگزیری قبول کرد. درین امر، حین آغاز حملات شدید و وسیع هوایی، به افراد جنگی کمکی در زمین، نیازمند بوده است. این قدرت بزرگ، "اتحاد شمال" را که در مقابل "طالب" مقاومت می نمود و فقط در قریب ۱۰ فیصد قلمرو کشور، تسلط داشت، بحیث "بدیل" تعیین کرد.

همین اقدام ایالات متحده امریکا، در همان لحظات اول، از جانب صاحب نظران غربی و تعدادی از "ژورنالیستان" آگاه، بعنوان یک اشتباه شناخته می شد. حال حتی برخی از مقامات سیاسی - نظامی آن قدرت بزرگ نیز، به آن اشتباه اعتراف نموده اند. اینرا هم می دانیم، که "اتحاد شمال" در جنگ علیه "طالب"، عمدتاً سلاح های "ساخت روسی" در دست داشته اند.



General Franks has given conflicting reports of US aims

جنرال "فرانک" گزارشات اهداف

متعارض ایالات متحده را ارائه می کند.

در پایان تصویر سمت چپ، "بی بی سی"، در گزارش ۹ نومبر ۲۰۰۱م آن، جنگی های "اتحاد شمال" را در حمله، حین سوار بر اسب ها، نشان داده است. در همین گزارش، "جنرال فرانک" قریب دو روز بعد از آغاز عملیات هوایی، اظهار می دارد، که:

"همه چیز مطابق پلان پیش می رود" گزارشگر می نویسد که: "چنین برملا شده است، که تعویذ "پنتاگن" بعد از آغاز بمب باران در افغانستان، بتاریخ ۷ اکتوبر ۲۰۰۱م، اثر داشته است.

بر اساس همین گزارش "بی بی سی"، بتاریخ ۵ نومبر ۲۰۰۱م، که از زبان قوماندان عملیاتی، "جنرال تومی فرانک" می نویسد: «ما حمله تهاجمی را بر شهر توسط اتحاد شمال انتظار نداریم، هیچ در پلان شامل نشده است، که قلمرو اشغال شود.» در جای دیگر، جنرال فرانک می گوید: "... ما ساحات ستراتیژیک بزرگ، مانند مزار شریف را اشغال نمی کنیم. این نوع تقرب جوئی، هدف ما نیست..."

خطوط کلی تمام آن قدم های که باید در "لویه جرگه"، برداشته می شد، یک سال قبل در کنفرانس "بن" معین گردیده بود. هواداران "پادشاه" در کنفرانس "بن" دومین گروه بزرگ را می ساخت که در صف "چهار" گروه، به کنفرانس، دعوت شده بودند.

درین مرحله، "گلبدین حکمتیار" رهبر یکی از تنظیم های "جنگی"، "حزب اسلامی افغانستان" در "ایران" اقامت داشت. او بطور خاص "ضد همین خاندان سلطنت"، که دائماً در گذشته نیز از جانب او ضمناً به نسبت روابط با "شوروی" مورد انتقاد قرار می گرفت و در عین حال با روابط عمیق و وسیع با پاکستان شناخته می شود، او در قریب چهل سال اخیر، فقط در فکر کسب قدرت رهبری در دولت افغانستان بوده و برای او هر وسیله امیدوار کننده، درین راه قابل قبول می باشد؛ چنانچه تا کنون گروپ او چندین بار تلاش کودتایی ناکام، انجام داده است.

Thursday, 20 June, 2002, 10:48 GMT 11:48 UK

Analysis: Afghan political healing



Magician: Karzai (left) mesmerised his audience

نتایج اخیر، مبنی بر "توافق" با دولت فعلی افغانستان، علایم و انتباهاتی را هم تا حدی بدست می دهد، که ممکن این مرتبه در "کودتای خزنده" و فعالیت های مشهود مخفیانه، بهدفع آن تقرب نموده باشد. زیرا از مدت هاست، که موضوعی را درین امر اشغال نموده است، حال ممکن با چنین اقدام، تدارکات احتمالی تاجگذاری، "امیر حزب اسلامی" خود را هم، براه اندازد. "حکمتیار" در طول سالهای اخیر، به ظاهر امر از "مخالفت خود با امریکا" و غرب سخن می گفت. او که در قدم اول بعنوان محور و حامی سیاست "بنیاد گرایان پاکستان" و دستگاه استخباراتی آنکشور در افغانستان و در منطقه، شهرت داشته است، دائماً مدعی



بوده است که "کنفرانس بن" فقط تحت نام ملل متحد تدویر یافته است، اما این نقشه از "امریکاست" و با فیصله های آن، به مخالفت پرداخته و در همین یک ونیم دهه، در صف افراطیون به فعالیت های مسلحانه و تخریب کننده، علیه "حاکمیت" تحت حمایت ایالات متحده و متحدان آنها، متوسل شده است. این هم معروف است که در "جنگ علیه قوای شوروی"، "تنظیم" او در تحت نام "حزب اسلامی"، سهمیه "شیر" را در توزیع اسلحه، مهمات و هم از کمک های سرشار غربی و عربی، بدست می آورده است. او یا در کنفرانس دعوت

نشد و یا خود نخواستہ بود که دعوت شود. در برقراری سیستم مرکزی، که با نام آن بعنوان "جمهوری اسلامی" فیصله بعمل آمد، سهم و فشار "بنیاد گرایان نوع اخوان المسلمین"، که خود از جمله اعضای آن گفته شده، محسوس بوده است. درین امر که در افغانستان، در مطابقت با "نظام سیاسی" در پاکستان، یک دولت "مذهبی" تهدابگذاری" شود، از جانب رهبران همین گروپ قریب "پنجاه سال" قبل هم مطرح می شده است. همین رهبران آنها حتماً بحث های محصلان و متعلمان را در مظاهرات و «میتینگ» های اعتراضی (نیمه دوم دهه شصت (۱۹۶۷/۶۸ م)، که در مخالفت با "قانون پوهنتون و معارف" در عصر نظام "سلطنتی" صورت پذیرفت، حتماً بیاد دارند.

حال، تا حدی از صحنه سپردن یک نسخه قرآن شریف (عکس فوق)، توسط پادشاه سابق در "روم" به «حامد کرزی» که از آن بعنوان "ملکیت خانواده سلطنتی" یاد شده است، چنین مفهوم هم می توان گرفت، که این "دیموکراسی" وعده داده شده غربی، باید توسط پیرو "نیمه مخفی" بنیادگرایان، حامد کرزی، تحت سایه معتقدات قرآنی، "عملی" گردد.

طراحان اصلی این مثنی سیاسی، ممکن امیدهایی هم در سر پرورانده باشند، که فقط "شاهی ۲۵۵ ساله درانی" را با تغییر نام ادامه داده خواهند توانست. درین راه از همه انحرافات و شعار های اغفال کننده و عوامفریبانه، بشمول تمایلات "نژاد پرستانه" و هم چنان تلاش های وسیع گوناگون، در جهت "هژمونی خاندانی"



Delegates from all over met each other

و تشکل های "تنفذ" در ساختار های "قومی" و "ایتی"، استفاده بعمل آمده است. به این چند اشاره و مشخصاتی که گزارشگر "بی بی سی" بطور مختصر در باره «حامد کرزی»، روز جمعه، مؤرخ ۱۴ ماه جون ۲۰۰۲م، بدست نشر سپرده است، توجه نمایند. در سطر فوقانی تصویر: «حامد کرزی: "دولتمرد تیزبین"» - این مشخصه را با نقل قول از سران دول دیگر، بدون تذکر نام آنها، می نویسد. اینکه امریکائی ها با "کرزی"، از چه زمانی بعد درین نقشه، کار مشترک، داشته اند، گزارشگر "بی بی سی" بعد از داخل شدن او از پاکستان، به قندهار و "ارزگان" یاد نموده، می نویسد، زمانی که طالبان از "دخول" او واقف می شوند، او را جست و جو نموده، در محاصره قرار میدهند. درین فرصت، توسط قوای

امریکائی با "هیلیکوپتر" نجات داده می شود. و در سطر پائین تصویر: «از کرزی بعنوان: "یک نی نوشابه امریکائی" و یا شمشیر کند امریکا، یاد می کنند.» البته بمفهوم دیگر "تابع امین" امریکا نیز شده می تواند.

در متن همین گزارش می خوانیم: «منتقدین کرزی، بر او اتهام بسته اند، که او بحیث بازیگر کمدی امریکا بوده است و خاصتاً، بعد از اینکه، قبل از تدویر "لویه جرگه"، با مداخله امریکا، اعلان گردید، که پادشاه سابق با کاندید شدن آقای کرزی در رأس دولت مخالفت نخواهد کرد.»

چنانچه در جریان کار "لویه جرگه"، شخص حامد کرزی، در نهایت، بحیث رئیس اداره "مؤقت"، بر "سیستم مرکزی"، پافشاری داشته است. بالاخره در ختم "لویه جرگه"، "بی بی سی" در تحت عنوان تحلیل، از "صحت یابی سیاسی افغان"، یاد کرده است. در پایان تصویر می خوانیم: «"ساحر": کرزی (سمت چپ) جمعیت حاضر را بخواب تصنعی مسحور ساخت.» طراحان اصلی هم، باید برای برقراری چنین نظام، قبلاً کار های مقدماتی را، انجام داده باشند.

ختم قسمت اول

ادامه دارد ...